

جامعه مادر پایان دهه ۱۳۶۰ وارد یک دوره پرسشگری فعال شد، چرا که دو اتفاق مهم و تعیین کننده رخ داده بود؛ یکی «پایان جنگ تحمیلی» و دیگری «رحلت حضرت امام (ره)». در این دوره، پرسش های کلان ناظر بر این بود که با این تغییرات مهم چه باید کرد؟ اکنون اولویت ها کدامند؟ و چگونه جامعه به باز آری خود و اقتصاد و فرهنگ و سیاست اش باید بیندیشد؟



امیر حسام زرافشان / ایران

■ **باتوجه به اینکه آسیب های شهری مختلفی را در «انجمن دیده بان مدنی یک شهر» دنبال می کنید، مهم ترین آسیب اجتماعی امروز شهرهای ما را چه می دانید؟**

به نظرم، مهم ترین آسیب «بی صدایی گروه های مختلف اجتماعی» است؛ چون شهر پیچیدگی های خاص خود را دارد و دوگانه های خاص خود را ایجاد می کند. این دوگانه ها، اصلاً قابل تقلیل به دوگانه های متعارف و معمول علوم اجتماعی نیستند، یعنی، فقیر و غنی یا کارگر و کارفرما، مزدبگیر و حقوق بگیر، جوان و مسن و غیره؛ شهر تمام اینها را با هم مخلوط می کند و به سادگی هم قابل تبیین نیستند.

برای مثال مادران انجمن در خصوص «دستفروشان» به عنوان یک گروه اجتماعی آسیب پذیر کارهای بسیاری انجام دادیم. دستفروشان جز گروه های کمتر برخوردار هستند ولی تناقض آنان با گروه های برخوردار، کمتر است تا با گروه هایی که نزدیک به خودشان هستند. به عنوان مثال تناقض ها و دوگانه هایی که دستفروشان ایجاد می کنند با آنانی که در شهر با ماشین تردد می کنند، کمتر است تا با آنان که پیاده تردد می کنند؛ چون این پیاده ها هستند که می توانند با دستفروش ها تعارض منافع در فضای شهری داشته باشند. آنان که با ماشین تردد می کنند اصلاً این دستفروشان را نمی بینند. در نتیجه اینجا «ثروت» نمی تواند ملاک دوگانه سازی باشد. تعداد این گروه های کمتر برخوردار مثل دستفروشان، زباله گرد ها، معتادان شهری یا زنان تک سرپرست و در هم تنیدگی شان وضعیت خاصی را پیش می آورد که نیازمند «نمایندگی داشتن» و «صدا داشتن» است. «تک سرپرستی» هم یک پدیده شهری است؛ این گروه از آنجا که قدمت تاریخی ندارند، صدا هم ندارند و در نتیجه این بزرگ ترین مشکل در بخش آسیب های اجتماعی در حوزه شهری ما است و تا زمانی که این مسأله حل نشود، به اعتقاد من، هر نوع هزینه کردنی بی فایده خواهد بود.

■ **شما در این انجمن دقیقاً چه کاری را برای این «گروه های بی صدای شهری» انجام می دهید؟**

مسأله مادران انجمن به طور مشخص «فقر حقوقی» است؛ یعنی بررسی می کنیم که از نظر حقوقی گروه های کمتر برخوردار در چه وضعیتی هستند؟ آیا قوانینی ناظر بر وضعیت شان وجود دارد؟ اگر قانونی هست چرا اجرایی می شود؟ و اگر اجرایی شود چرا بخوبی عمل نمی کند؟ چطور این قوانین را می توان به شکل بهتری اجرا کرد؟ اگر

بخوانم، برایم روشن بود که این «پیش پا افتادگی» سپس «کنار کشیدن خود از مشارکت در مباحث فکری» و «دچار شدن به رخوت» یا نوعی «نفرت از خود» در میان متفکران طیف محافظه کار یا اصولگر هم دیده می شود. آنان هم دیگر تولید فکری نداشتند.

این یک سوی ماجرا است. در سوی دیگر، جامعه راه خود را ادامه می دهد و به یکی از مسیرهایی که دولت برایش باز گذاشته می رود و پیرو این وضعیت، تردیدی نیست که پرسش هایی را مطرح می کند، اما اینها زیر خروار ها موضوعات پیش پا افتاده قابل رؤیت نیستند. در نتیجه ما در پایان دولت دهم با وضعیت نامتعارفی روبه رو بودیم که طی آن مشخص نبود پرسش های جامعه چیست؟ چه چیزی را مد نظر دارد؟ تنها کلیتی را می شد دید که به یک جمع لطمه دیده شباهت داشت که خود از درک وضعیتش ناتوان است، چه رسد به طرح پرسش؛ یعنی جامعه ای که مسأله زیاد دارد اما آنها را به پرسش های روشنی تبدیل نکرده است و شاید هم پرسش هایی دارد که نمی تواند مطرح کند. یکی دو موضوع همیشه مثل «انتخابات» وجود داشتند، اما اینها هم از آن دست پرسش هایی نبودند که نیاز به مداخله فکری جدی داشته باشند. در نتیجه من خود احساس کردم لازم است که خود فرد اهل فکر باید برای شناسایی مسائل مهم جامعه اش تلاش کند. اول باید از زیر آن تل «پیش پا افتادگی» موضوعات مهم را خارج کرد و سپس به آنها پرداخت. از این رو، سپس از مدتی بحث با سایر دوستان، سبابتی را که به «مسائل شهری» می پرداخت راه انداختیم و پس از آن نیز یک نهاد مدنی را ثبت کردیم برای پیگیری عملی برخی موضوعاتی که در این سایت در موردشان بحث کرده بودیم.

■ **چرا از میان مسائل مختلف جامعه «آسیب های اجتماعی» را برای شما مسأله مند شد؟**

«آسیب های اجتماعی» همیشه دغدغه من بوده است. گاه افراد مسأله آسیب های اجتماعی را در سطحی کلان و در عرصه سیاست بررسی می کنند و گاه خردتر و در سطح یک روستا و... به آن می پردازند. چیزی که برای من اهمیت داشت و از سال ۹۲ درباره آن کار کردم، بررسی این مسائل در حوزه شهری بود. در واقع «شهر» رابه عنوان حوزه رسیدگی و کند و کاو در مورد آسیب های اجتماعی در دستور کارم قرار دادم.